

این استاد دانشگاه با تأکید بر اینکه بشدت به تثبیت جایگاه علوم انسانی نیاز داریم، افزود: این اصل بسیار مهمی است و شاید قدم اولی است که باید اتفاق بیفتد. پیشنهادی بود که در وزارت علوم یک بخش یا معاونت برای علوم انسانی ایجاد شود که دانشگاه آزاد اسلامی این کار را انجام داد. این تشخیص و هویت‌یابی برای علوم انسانی مهم است.

### علوم انسانی غربی برای جامعه ما مسموم است

دکتر همایون اضافه کرد: واقعیت این است، اکنون در جامعه ما علوم انسانی موجود، علوم انسانی غربی است که این علوم ذاتاً مسموم هستند. ما با توسعه و آموزشی که روی علوم انسانی غربی انجام می‌دهیم، در واقع به جامعه سم تزریق می‌کنیم و هر لحظه که بتوانیم باید جلوی این موضوع را بگیریم. وی با تأکید بر مسموم بودن علوم انسانی که علوم اسلامی را در دل خود ندارد، یادآور شد: از درون علوم انسانی فعلی نکته موافق نظام در نمی‌آید. بنابراین علوم انسانی ما باید قرآن‌پایه باشد و بر اساس قرآن شکل بگیرد. هنوز علوم انسانی قرآن‌پایه نداریم و تلاش‌های پراکنده و غیرپراکنده‌ای انجام شده که کافی نیست.

### وقتی علوم انسانی ظرفیت تمدن‌سازی پیدا می‌کند که عملیاتی شود

معاون علوم انسانی و هنر دانشگاه آزاد اسلامی همچنین به تفاوت‌های درک مردم از علوم انسانی و سایر علوم پرداخت و گفت: صرف نظر از ارتباط علوم انسانی با بقیه علوم، زمانی علوم انسانی توسط مردم فهم می‌شود و توان تمدن‌سازی پیدا می‌کند که عملیاتی شود. حوزه پزشکی کاملاً با زندگی مردم سرو کار دارد و نتایج آن علم، به سرعت خود را در زندگی مردم نشان می‌دهد. مردم هم تشخیص می‌دهند که وقتی بیمار می‌شوند باید سراغ پزشک بروند، اما باید توجه داشته باشیم که علوم انسانی نمی‌تواند به سرعت علوم غیر انسانی ماهیت عملی به خود بگیرد.

### «هنر» و «رسانه» می‌توانند علوم انسانی را برای مردم فهم‌پذیر و کاربردی کنند

همایون با اشاره به وجود زبان فهم علوم انسانی توسط مردم گفت: آنچه که به شدت می‌تواند کمک کند و یک پل انتقال‌دهنده بین علوم انسانی و مردم است، «هنر» و «رسانه» است. این فوری‌ترین و میانبرترین راهی است که بتوانیم علوم انسانی را روی زمین بیاریم. مردم می‌توانند در این صورت علوم انسانی را هم مانند سایر علوم لمس کنند و حالت کاربردی آن را ببینند. فوری‌ترین و شدنی‌ترین راه برای رسیدن علوم انسانی از عالم بالا به زمین، هنر است. اگر زلف علوم انسانی را به هنر و رسانه گره بزنیم، گشایش جدی در مردمی کردن علوم انسانی و توان‌افزایی برای ایجاد تمدن صورت می‌گیرد و این اولین قدم در این مسیر است.

### علوم انسانی باید زبان گفت‌وگو با سایر علوم را پیدا کند

عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق (ع) همچنین به بیان دومین راهکار شناخت و درک هر چه بهتر علوم انسانی اشاره کرد و گفت: مجادله‌ای بین علوم انسانی با سایر علوم مانند علوم فنی و علوم طبیعی شکل گرفته که باعث از بین رفتن وحدت شده است. در واقع علوم انسانی باید وارد تعامل با سایر علوم شود. اگر علوم انسانی نتواند وارد تعامل با بقیه علوم شود، عملاً راه به جایی پیدا نمی‌کند. علوم انسانی باید زبان گفت‌وگو با فیزیک را پیدا کند و وارد عالم مواد، طبیعت، حیوانات و محیط زیست شود. به گفته همایون، علوم انسانی و غیر علوم انسانی باید با هم همکاری کنند تا «علوم میان‌رشته‌ای» تولید شود که بسیار مبارک است و محصول ملموس آن فناوری است. با پیوند و تعامل بین علوم انسانی و غیر علوم انسانی می‌توانیم موفقیت بین حوزه‌های مختلف را به هم گره بزنیم.

وی به استفاده از علوم انسانی در حوزه فناوری و تکنولوژی اشاره کرد و گفت: لزوماً این موفقیت شامل سطح علم و دانش و فناوری‌های

ایجاد شده نیست. گاهی این موفقیت در حوزه سنت‌ها و مراسم‌هایی است که ایجاد می‌شود. حتی این رشد و پیشرفت می‌تواند در بسته‌بندی ظاهری یک فناوری یا شکل یک تکنولوژی باشد. علوم انسانی می‌تواند در این بخش حرف خود را بزند. به نظر سال‌ها علوم دیگر از داشتن علوم انسانی در طراحی محصول محروم بوده‌اند. گفت‌وگوی بین این دو حوزه دانشی می‌تواند خیلی خوب جواب دهد. این هم گام دومی است که برای عملیاتی شدن علوم انسانی باید برداشته شود.

### علوم انسانی ظرفیت جهت‌دهی به بقیه علوم را دارد

معاون علوم انسانی و هنر دانشگاه آزاد اسلامی در بخش دیگری از صحبت‌های خود درباره ضرورت کاربردی شدن علوم انسانی گفت: مسأله این است، همه علوم کنار هم هستند و اینطور نیست که بگوییم هویت‌های جداگانه‌ای وجود دارد.

علوم انسانی بقیه علوم را در برگرفته است و به آنها جهت می‌دهد. اینکه می‌گوییم فاصله علوم انسانی با زمین زیاد است و متهم به این است که روی زمین نمی‌آید، اشکال کار اینجا است که علوم انسانی رابطه خود را با مرحله پایین قطع کرده و می‌خواهیم علوم انسانی را مستقیم به زمین برسانیم.

علوم انسانی باید تأثیر خود را روی بقیه علوم اعمال کند. همایون به چگونگی ارتباط علوم انسانی و سایر علوم پرداخت و اظهار کرد: در حال حاضر بقیه علوم از مبادی خود جدا شده‌اند. وقتی سایر علوم که به مردم متصل هستند، به مبادی خود اتصال نداشته باشند و برای خود کار کنند، طبیعتاً علوم انسانی هم برای مردم قابل لمس نخواهد بود.

وی به تمدن غرب و اتصال علوم انسانی به سایر علوم اشاره و خاطرنشان کرد: این اتفاق در دل تمدن غرب از علوم انسانی شروع شد. علوم انسانی بود که بقیه علوم را جهت‌دهی کرد و شکل داد و به اینجا رساند. اگر علوم انسانی ما توانست هویت خود را پیدا کند و در تعامل با بقیه علوم حضور پیدا کرده و پذیرفته شود، می‌تواند علوم تجربی و طبیعی را هم بسازد.

اگر توانستیم چنین علوم انسانی تعریف کنیم، می‌توانیم حرف از تمدن بزنیم؛ تمدنی که وحدت بین علوم را در نظر می‌گیرد. همایون همه علوم را دارای حرف مشترک دانست و افزود: طراحی یک محصول، مبانی عمیق در رشته فلسفه دارد که باید خودش را در فناوری نشان دهد و در نهایت در سبک زندگی خود را نمایان سازد و در رفتارهای اجتماعی ما و مناسبات و تعاملات انسان‌ها منعکس شود. استاد دانشگاه امام صادق (ع) با بیان اینکه اگر سطح تمدنی مردم بالاتر رود، می‌توانند بدون واسطه علوم انسانی را درک کنند، ادامه داد: علوم انسانی در ساختار سازمانی، حکومتی و نحوه حکمرانی ما هم حضور پررنگی دارد. علوم انسانی از طریق هدایت بقیه علوم وارد زندگی ما می‌شود.

این استاد دانشگاه همچنین در پاسخ به این سؤال که به نظر می‌رسد همان‌طور که علوم انسانی نتوانسته در زندگی مردم ظاهر شود، فارابی هم کمتر از سایر اندیشمندان و دانشمندان در جامعه ایرانی شناخته شده است، اظهار کرد: حتماً همین‌طور است. ماجرای رسیدن علوم به زندگی مردم به شکل تجربی در دوران تمدن اسلامی و در قرون پنجم و ششم هجری قمری اتفاق افتاد. بعدها ما با یک کودتا در تاریخ مواجه شدیم؛ یک کودتای علمی بعد از رنسانس علیه تمدن اسلامی شکل گرفت و همه دستاوردهای تمدن اسلامی انکار شد و به دانشمندان غربی نسبت داده شد.

همایون در پایان سخنانش تصریح کرد: در سال‌های بعد از وقوع کودتا این‌گونه بیان شد که اکتشافات و آورده‌های علمی بعد از رنسانس صورت گرفتند و در درون تمدن اسلامی هیچ آورده‌ای نبوده است، در حالی که در جریان جنگ‌های صلیبی و خیلی از اتفاقات دیگر که در تاریخ ثبت شده، مجموع معارف سرزمین‌های اسلامی به این کشورها منتقل شد. اگرچه این معارف شامل معارف ناب اهل بیت نبود و تمدن ناقص اسلامی وارد سرزمین‌های غربی شد و آنچه را ساخت که اکنون می‌بینیم.



تمام افراد فعال در

حوزه علوم انسانی

دنبال این هستند

که بگویند علوم

انسانی هم در کنار

بقیه علوم توان حل

مسأله دارد، چرا که

علوم دیگر با حل

مسأله خود را ثابت

کردند. این یک

اصل ثابت است که

اگر علم نتواند فوراً

مسأله را حل کند

و ما آن را نبینیم،

دیگر علم نیست.

در نتیجه در نگاه

عمومی، مکانیک یا

پزشکی علم است

اما فلسفه علم تلقی

نمی‌شود!

موضوع را بگیریم. از درون علوم انسانی فعلی نکته موافق نظام در نمی‌آید. بنابراین علوم انسانی ما باید قرآن‌پایه باشد و بر اساس قرآن شکل بگیرد. هنوز علوم انسانی قرآن‌پایه نداریم و تلاش‌های پراکنده و غیرپراکنده‌ای انجام شده که کافی نیست

اکنون در جامعه ما علوم انسانی موجود، علوم انسانی غربی است که این علوم ذاتاً مسموم هستند. ما با توسعه و آموزشی که روی علوم انسانی غربی انجام می‌دهیم، در واقع به جامعه سم تزریق می‌کنیم و هر لحظه که بتوانیم باید جلوی این



برش